

Unit 16 book 6

در میان
اگر چیزی در میان چیز دیگری است ، پس در وسط آن قرار دارد.
زنبور عسل در میان گلهای باغ با شتاب پرواز می کرد.

پشت صحنه
اگر اتفاقی در پشت صحنه رخ دهد ، پشت صحنه تئاتر اتفاق می افتد.
بعد از نمایش ، کارگردان به پشت صحنه رفت و از بازیگران تشکر کرد.

میلیاردر
میلیاردر کسی است که حداقل یک میلیارد دلار داشته باشد.
فروش اختراعات او مخترع را میلیاردر کرد.

وحشی
وحشی کسی است که وحشیانه رفتار کند یا مانند حیواناتی خشن ظاهر شود.
برادر بزرگتر من وقتی نمی تواند راه خود را پیدا کند می تواند مانند یک وحشی رفتار کند.

دست و پا چلفتی
اگر کسی دست و پا چلفتی باشد ، پس در اداره امور ناشی است.
تاجر دست و پا چلفتی بود و پرونده های کاری خود را کنار گذاشت.

برخورد کردن
برخورد با چیزی به معنای ضربه زدن به آن، هنگام حرکت است.
این دو ماشین با هم برخورد کردند زیرا رانندگان آنها مواظب نبودند.

مقصر
مقصر کسی است که مرتکب جرم یا عمل بد دیگری شده است.
پلیس هنوز در جستجوی مقصر از سرقت بود.

تخلیه
تخلیه یعنی ترک یک مکان خطرناک برای یک مکان امن.
در طی سیل ، بسیاری از خانواده ها به مناطق بالاتر تخلیه شدند.

قابل اشتعال
اگر چیزی قابل اشتعال باشد ، می تواند آتش بگیرد.
مراقب آن پتو نزدیک شمع باشید. بسیار قابل اشتعال است.

اوباش
اوباش جمعیت زیادی از مردم است که اغلب می خواهند خشونت ایجاد کنند.
دستگاه کیپی توسط انبوه کارگران عصبانی از بین رفت.

زودرس
اگر کاری زودرس است ، خیلی زود یا قبل از زمان مناسب انجام می شود.

جشن مارک زودرس بود زیرا توپ در سوراخ نیافتاده بود.

تنفر داشتن

تنفر داشتن از چیزی به معنای داشتن احساسات بد نسبت به آن است. او از این واقعیت که هرگز نتوانسته است ساز بزند نفرت دارد.

هجو

هجو کاری هنری است که از طنز و کنایه برای مسخره کردن چیزی استفاده می کند. این کتاب هجوی از زندگی در ارتش است.

موشکافی

موشکافی بررسی دقیق چیزی است. یک دانشمند باید همیشه کارهای دقیق خود را انجام دهد.

تفکیک

تفکیک چیزی به معنای قرار دادن آن در یک گروه جدا از چیزهای دیگر است. در کلاس ورزش ، کودکان به دو گروه پسر و دختر تقسیم شدند.

موضوع

قرار دادن شخصی در معرض کاری به معنای مجبور کردن وی به انجام یا تجربه آن است. افسران قبل از اینکه هواپیما را ترک کنند همه را تحت یک تحقیق دقیق قرار دادند.

گواهی دادن

گواهی دادن به معنای شهادت دادن به عنوان شاهد است. در زمان شهادت قربانی در مورد سرقت ، قاضی گوش می داد.

هیاهو

هیاهو سر و صدایی بلند و گیج کننده است که توسط جمعیت زیادی از مردم ایجاد می شود. او نمی توانست دوستش را به خاطر هیاهوی مهمانهای دیگر هیجان زده بشنود.

دست کم گرفتن

دست کم گرفتن چیزی یا شخصی به معنای مهم نبودن آنها است. ما بازی را از دست دادیم زیرا مهارت تیم مقابل را دست کم گرفتیم.

آشوب

هیاهو صدای بلندی است که توسط افرادی ایجاد می شود که بسیار عصبانی یا ناراحت هستند. هواداران وقتی تیمشان بازی را از دست داد هیجان زیادی ایجاد کردند.

وحشی و میلیاردر

صدها نفر برای دیدن یک طنز مشهور آمده بودند ، اما در حین ، اجرا آتش سوزی در تئاتر آغاز شد. مخاطبان و بازیگران ساختمان را تخلیه کردند. خوشبختانه هیچ کس آسیب ندید و آتش به زودی خاموش شد. بلافاصله حاضران در جمع خشمگین جمع شدند و خواستند بدانند چه اتفاقی افتاده است.

به زودی مشخص شد که آتش سوزی در پشت صحنه شروع شده است و در آن زمان تنها دو نفر در منطقه بودند. یکی شوهر بازیگر ستاره نمایش ، میلیاردر هنری ریچ بود. دیگری سرایدار تئاتر ، بیل بود ، مردی بزرگ و قدرتمند که بی ادب به نظر

جمعیت این دو نفر را جدا کرده و خواستار دانستن مقصر بودند. بیشتر مردم فکر می کردند مقصر بیل است. آنها احساس کردند که او آتش سوزی را شروع کرده بدون اینکه هرگز وی را تحت هیچ گونه موشکافی قرار دهد. بیل از این موضوع متنفر شد اما چیزی نگفت.

خوشبختانه همسر میلیاردر در دفاع از خود شهادت داد. وی به جمعیت گفت: "تصمیم شما زودرس است." "در حالی که همه از آتش فرار کردند ، من در میان هیاهو سقوط کردم. بیل من را نجات داد و مرا از ساختمان خارج کرد. فکر می کنم شخصیت او را دست کم میگیرید. علاوه بر این ، برای اینکه بتواند به اندازه کافی برای نجاتم نزدیک باشد، او نمی توانست نزدیک مکانی باشد که آتش سوزی را آغاز کرده است."

سپس جمعیت نگاه خود را به میلیاردر معطوف کردند. " او این کار را کرد!" آنها فریاد زدند. "او را وادار کنید که پول بدهد!"

میلیاردر در مورد این هیاهو گفت: "صبر کنید." "اعتراف می کنم که آتش سوزی را شروع کردم ، اما این یک تصادف بود. داشتم برای دیدن همسرم به پشت صحنه می رفتم و دست و پا چلفتی بودم. من با یک لامپ برخورد کردم و آن به زمین افتاد. کف زمین قابل اشتعال بود. آتش سوزی شروع شد و من فرار کردم. «

جمعیت غافلگیر شدند. مردی که آنها سرزنش می کردند بی گناه بود و میلیاردر مقصر بود. برای پرداخت هزینه خطای خود ، میلیاردر نه تنها تأثیر را تعمیر کرد بلکه برای بهتر شدن از قبل، آن را ساخت.